

# خط نفوذ از «البقیه»ی صفین تا «لاقتال» برلین

جا و به موقع آنان، خلف آن بنیانگذار «سجده شکر» کرد. مردم برای بنیان نهادن پایه‌های «حیات طیبه» با رویگردانی از «کاخ سفید» آنچنان حماسه‌ای آفرینند که نه تنها به الگویی برای مؤمنان بلکه به اسطوره‌ای برای پابرهنگان و محرومان جهان تبدیل شدند.

مکتب اسلام ناب امام خمینی (ره) با علمداری امام خامنه‌ای (دامت برکاته) عزتمندانه و عزیزانه راه خود را در پیش گرفت، تا این که واژه «زندگی کردن و زنده ماندن» با روی آوری به کاخ سفید از دل «سازندگی» متولد شد و «جامعه مدنی» پنجره خود را بار دیگر به روی آریایان کاخ نشین باز کرد و «حیات طیبه» و «اسلام ناب» مساوی مرگ و خشونت تفسیر شد.

خط نفوذ کار خود را کرد و آنانی که روزی در بدر و خندق و خیبر زیر بیرق «بوسفیان» شمشیر می‌زدند، خود را به زیر بیرق کسانی رساندند که روزی در کنار بنیانگذار انقلاب سنگ «حیات طیبه» را به سینه می‌زدند، شمشیرهای برهنه دو قوای نظام با نامه‌های دوقلو بر روی فرزند علی (ع) کشیده شد و او را وادار به نوشیدن زهر در امضاء مشروعیت «کاخ سفید» و باز داشتن «مالک‌ها» از ادامه نبرد کردند.

آنانی که به دنبال زندگی کردن در سایه «کاخ سفید» بودند بی‌مهلبا در «برلین» گردهم آمدند تا شعار «البقیه» پیروان اشعث را با شعار «لاقتال» پیروان حسن بصری که پیامبر (ص) از او به سامری امت یاد کرده بود با هم پیوند بزنند.

محمود دولت‌آبادی که خود هیچ نقشی در حماسه مردمی نداشت و در هیچ انتخاباتی هم با مردم پای صندوق‌ها نرفته بود، در کنفرانس برلین که تبلور واقعی یک «جامعه مدنی» بود پشت تریبون رفت و با تکرار «از زندگی بگویید» از «مرگ سخن نگوئید» سخن همه اعتزالیون و اعتدالیون در برابر مکتب اسلام ناب را بر زبان جاری کرد.

اما اینبار رابطه «امت و امامت» به گونه‌ای بود که علی زمانه ایستاد هم در برابر شمشیرهای برهنه لوابح دوقلو و هم شعارهایی که در پس شیرینی ظاهریشان زهری کشنده نهفته بود و هم در فتنه ۷۸ و هم فتنه ۸۸ و مراددها و رفت و آمدهای پنهانی...

هزاران مالک در عراق و سوریه و یمن ماشین جنگی کاخ سفید را به گل نشانده‌اند و از حسینیه‌های سرزمین حجاز و بحرین و نیجره فریاد حیدر بلند است. دیگر برای روشنفکران وابسته به معاویه در سرزمین‌های اسلامی و فریادخواهی اسلام در بیداری اسلامی راهی جز شیوه عمرو عاص در گریز از میدان نبرد نمانده است.

رسانه‌های کاخ سفید یارای خاموش کردن بصیرت‌افزایی «عمارها» را ندارند و نه شعار «البقیه» و نه فریاد «لاقتال» تأثیری در اراده و راهی که یاران علی زمانه برگزیدند نمی‌گذارد. اشعث‌های زمانه به خوبی می‌دانند که حتی اگر بیست هزار نیرو را فراهم کنند تا شمشیر از نیام برکشند و علی زمانه را وادار به عقب‌نشینی یارانش کند تنها از یک محله تهران دویست هزار مالک اشتر شمشیر از نیام خواهند کشید و انتقام لحظات غریبانه مولا یشان را از عمرو عاص‌ها و اشعث‌های زمانه خواهند گرفت. ورق برگشته است، موقعیت جنگ صفین در امروز، موقعیت بدر و خیبر است، اگر روزی نسل اول و دوم سربازان امام تنها ناوهای کاخ سفید را در خلیج فارس و تنگه هرمز رصد می‌کردند، رویش‌های اسلام ناب، شناورهای نظام سلطه را در آن سوی دریای مدیترانه و دریای سرخ در تیررس خود دارند این در حالی است که اندیشه ناب اسلام محمدی (ص) و اسلام انقلابی به فصل گل دادن رسیده است، امام تازه آغاز شده است و ما هنوز در آغاز راهیم.

ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

گاهی سرنوشت یک انقلاب، یک نهضت و حتی یک تمدنی تنها با یک اشاره یا ظاهر شدن یک نماد و با سر دادن یک شعار تغییر می‌کند، آن‌جا که همین اشاره و نماد و شعار رمز فرا رسیدن لحظه ورود به مرحله اقدام باشد، بی‌شک مرحله اقدام، مرحله پس از بسترسازی، آماده‌سازی و سازماندهی نیروهای نفوذی در داخل و هماهنگی با دشمن بیرونی در خارج است که گاه، ماه‌ها و گاه سال‌ها به درازا می‌کشد، در جنگ صفین قبل از بالا رفتن نماد قرآن‌های بر نیزه رفته و سر دادن شعار «لا حکم الا لله» که مرحله اقدام بر ضد امیر مؤمنان (ع) بود پیش اقدامی دیگری با سر داده شدن شعاری در شب حادثه روی داد که در حقیقت مرحله‌ی بینابین دو مرحله سازماندهی خط نفوذ و مرحله اقدام به شمار می‌آید که این حرکت خود بیانگر حساسیت بالای این دوره کوتاه گذرا در راستای محک زدن و مزمزه کردن اقدام می‌توان تحلیل کرد.

شنیده شدن شعار «البقیه البقیه»ی یاران حاشیه‌نشین اشعث به معنای دریافتن جمعیتی که کشته نشده و باقی ماندن برای زن و فرزندان شان آن هم درست در زمانی که شیطان و لشکریانش در استیصال کامل به سر می‌بردند، حکایت تلخی است که قبل از هر چیز پرده از بی‌بصیرتی در لشکریان کوفه و مرادده و نامه‌نگاری پنهانی عناصر نفوذی چون اشعث با شیطان روزگار خود داشت.

شعار چرخش «چرخ زندگی» آن هم در میان لشکری که می‌رفت «کاخ سبز» معاویه و معاویه صفتان را در هم بیچید، در حقیقت شعار «مرگ خواهی» از سوی کوفیان با دست خود، بود شعار هم «دنیا» و هم آخرت اشعثیان درست در زمانی که شمشیر مالک می‌رفت که دنیا و آخرت واقعی را ارزانی همه کند، هم دنیا و هم آخرت را از کوفیان گرفت.

خط نفوذ کار خود را کرد و قرآن‌هایی که بر نیزه رفت و شعار حکمیت قرآنی که سر داده شد زمانی «قرآن ناطق» را از معادلات حذف کرد، که قبل از آن نفوذیان شعار «زندگی گردن و باقی ماندن» را در لشکر علی (ع) نهادینه کرده بودند. این که چگونه علی (ع) که در روز آغازین نبرد، معاویه و سپاهش را دعوت به کتاب خدا و ریخته نشدن خون امت کرد، نه لشکر علی (ع) و نه لشکر معاویه تن به حکمیت «قرآن» و «قرآن ناطق» ندادند، اما به یکبار هم لشکر معاویه و هم لشکر علی (ع) درست در لحظه نزدیک شدن مالک‌ها به خیمه‌گاه «کاخ سبز» به «قرآن» بر نیزه رفته تن دادند و چهره «اسلام رحمانی» را به رخ کشیدند و در اصرار به برپایی این اسلام وارداتی و انحرافی بیست هزار نفر از تأثیرپذیران تفکر اعتدالی و اعتزالی ابوموسی اشعری و اسلام رحمانی اشعث برای صلح کاخ سبزی، بر روی علی (ع) شمشیر از نیام کشیدند ریشه در شعار «البقیه البقیه» آنانی در لشکر علی (ع) داشت که یا از سرمایه‌داران زالوصفتی بودند که حرکت مردمی آنان را مجبور به همراهی لشکر علی (ع) کرده بود، یا پس مانده خور خوان آنان، یا متحجرین احمق، که خدا محوری و خداخواهی را تنها در شمارش ایام صوم و رکعات صلوات می‌دیدند، یا مستضعفین فکری که به جای تأمل و تفکر در سیره و سلوک «ولی زمانه» گوش خود را به نوای گوساله‌های سامری سپرده بودند؛ آنانی که چرخ زندگی را نه در چرخش به دور «کعبه واقعی» بلکه به دور «کعبه سبز» معاویه می‌دیدند و بس.

زندگی، زندگی، زندگی کردن، قبل از حکمیت قرآن، واژه‌های شد که «حیات طیبه» را در محراب به خون نشاند و بشریت را یتیم واژه‌های کرد که علی (ع) داشت و چیزی را هم در کف دست کوفیان نگذاشت، و از چرخش چرخ زندگی به دور «کاخ سبز»، تنها زندان‌های بی‌سقف حجاج بن یوسف ثقفی سر برآورد و از زندگی در سایه «قرآن‌های بر نیزه» خوارجی که هنوز پیکر جهان اسلام، طعم شمشیرهایشان را بر سر اهل شام و نینوا می‌چشید.

تاریخ ورق خورد و رابطه «امت با امامت» به گونه‌ای دیگر در هم تنیده شد، انقلابی به پیروزی رسید و مردمی پا به عرصه جهاد نهادند که در نگاه بنیانگذار آن، بهتر از مردمان عصر رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (علیه السلام) بودند و در پی هر حرکت به